

جنبش زنان به شعارهای شفاف نیاز دارد!

متن سخنرانی رفیق سارا نیکو در مراسم یادمان ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و

زحمتکش در کلاب هاوس، مورخ ۱۱ مارس ۲۰۲۲

با درود و گرامیداشت روز جهانی زن ، درود ویژه بر زنان مبارز ایران که در این ۶ ماهه گذشته با مبارزات و مقاومت خود در مقابل دژخیمان حاکم، شجاعت و آگاهی انقلابی خود را در انظار جهانیان به تصویر کشیدند و برگ نوینی در مبارزات آزادیخواهانه زنان در سراسر جهان گشودند. بر کسی پوشیده نیست که زنان در ایران در ۴۴ سال گذشته زیر حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی که زن ستیزی یکی از وجوه بارز این رژیم می باشد علیه ستمگران جنگیده اند ، و در همه این سالها با وجود سرکوب عریان در عرصه های مختلف علیه زن ستیزی رژیم مبارزه کرده اند. در این راه، آنها زندان و شکنجه و اسید پاشی و تجاوز و مرگ را بارها تجربه کرده اند ولی هر بار مصمم تر از گذشته برای نابودی ستم بر پا خاسته اند. بارها در این باره صحبت کرده ایم که انگیزه قوی مبارزاتی که زنان ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی دارند ناشی از ستم های شدیدی که بر زنان ایران تحمیل شده است و رهایی از ستم را برای زنان به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده. به همین خاطر که می بینیم در هر جنبشی زنان در صف مقدم مبارزات آزادیخواهانه جامعه قرار دارند. امروز دختران و زنان جوان در وسعتی چشمگیر، دلیرانه برای نابودی جمهوری اسلامی می جنگند و با از خود گذشتگی و شایستگی تمام در جهت دست یابی به همه حقوق بر حق خویش و رسیدن به آزادی در صف مقدم مبارزه قرار گرفته اند.

بحث من اینجا مشخصا به موضوع اهمیت طرح شعارهای شفاف که بتوانند خواسته ها و مطالبات واقعی زنان در جامعه را مطرح کنند مربوط می شود. این موضوع از اینرو اهمیت پیدا می کند که در شرایطی که نیمی از جامعه ما که زنان هستند، زنانی که در خیابان ها باتوم ، مشت و لگد مزدوران را تحمل کردند، بسیاری بر اثر اصابت گلوله های ساچمه ای چشم خود را از دست داده اند و در زندان ها مورد شکنجه و آزار و تجاوز قرار گرفته اند، اینها برای سرنگونی جمهوری اسلامی جانشان را کف دستشان گذاشته اند و برای پایان دادن به ظلم و ستم هایی که به آنها اعمال می شود مبارزه می کنند. پس، چنانچه ما نتوانیم خواسته ها و چشم اندازهای واقعی خود را شفاف و بدون هر گونه اجازه و امکان سوء تفسیر بیان کنیم نه تنها دست مرتجعین رنگارنگ را برای هرز بردن مسیر مبارزه امان باز گذاشته ایم بلکه در واقع اجازه داده ایم که مرتجعین از نیروی مبارزاتی ما جهت کسب قدرت سیاسی خود استفاده ابزاری کنند. با این کار ما نه تنها به خواست های خود نمی رسیم بلکه ستم های موجود ، در ابعاد دیگری ادامه خواهند یافت.

خوب حال نگاهی بیندازیم به سیر شعارها در خیزش انقلابی اخیر.

همه آگاه هستند که کلا جامعه ایران زیر حاکمیت دیکتاتوری جمهوری اسلامی همواره به آتشی زیر خاکستر تشبیه شده و مردمی که با همه وجود از این نظام نفرت دارند از هر فرصتی برای اعتراض علیه رژیم استفاده کرده اند. می‌دونیم که ژینا امینی، دختر جوان کُردی که برای تفریح به تهران آمده بود، به بهانه بدحجابی توسط گشت ارشاد دستگیر و در بازداشتگاه توسط جلادان مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به کما فرو رفت و چند روز بعد در ۲۵ شهریور امسال در بیمارستان کسرای تهران جان باخت. قتل این دختر نوجوان کُرد جرعه‌ای بود که خاکستر خشم مردم را کنار زد و آتش خشم انقلابی مردم در سراسر ایران با فریادهای میکشم، میکشم هر آنکه خواهرم کشت در همه جا شنیده شد. ابعاد خشم توده‌ها از زن و مرد بطور باورنکردنی هر روز ادامه یافت و جلادان حاکم هر روز با سرکوب‌عریان، دختران و پسران بی‌شماری را به کام مرگ نشاندهند. در همه این اعتراضات که البته در روند و پیشروی جنبش بدرستی گفته میشه (بهش نگید اعتراض، این دیگه انقلابه) صدای رسای دختران و زنان جوان خطاب به مزدوران رژیم شنیده میشد که میگفتند هر یک نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه، شعارهایی که نشان دهنده نفرت شدید مردم از جمهوری اسلامی و عزم آنها برای نابودی این رژیم بود.

شعارهایی مثل نابود باد جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی نمی‌خوایم، نمی‌خوایم که از همان آغاز مبارزات سر داده شدند همراه با شعار فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی، همگی نشان دهنده مطالبات واقعی بودند که در بطن خود بطور شفاف نشان می‌دادند که مردم برای پایان دادن به مصیبت‌های اجتماعی می‌دانند که باید تبر را به ریشه‌ها بزنند. وقتی مردم شعار "فقر و فساد و بیداد، مرگ بر این استبداد" را میدهند در واقع ستون فقرات نظام سرمایه‌داری انگلی که جمهوری اسلامی حافظ آن است را از بیخ و بن مورد ضرب قرار میدهند. این یک شعار شفافیه که هیچ جایی برای تعبیرات متفاوت باقی نمی‌گذارد. این شعار، خواست توده‌ها برای پایان دادن به فقر و بیکاری و بی‌خانمانی و دیکتاتوری را بیان می‌کند. یا شعار "سقف و کتاب و گندم، قدرت بدست مردم" صریحاً نیازها و مطالبات اساسی را بیان میکند که هم ضرورت آگاهی و هم نیاز به مسکن و نان را در بر دارد و در همان حال کسب قدرت سیاسی بدست خود مردم و رقم زدن سرنوشتشان برای تامین این خواسته‌ها در افق دیدش قرار داده. به همین خاطر هم در را بر روی همه تفاله‌هایی که این روزها قدرت سیاسی را از امپریالیست‌ها گدایی میکنند کاملاً می‌بندد.

وقتی زنان و دختران مبارز شجاعانه روسری‌های خود را به آتش میکشند و در همان حال شعار "نه نون داریم نه خونه، حجاب شده بهونه" را سر میدهند این نشان می‌دهد که آنها،

هم به اسارت بار بودن حجاب اجباری واقفند و هم لغو حجاب اجباری را با تغییرات بنیادین برای خواسته نان و کار و مسکن گره می زنند.

حال به این موضوع می پردازم که در جامعه ای که شدت فقر و فساد و بیکاری و بی خانمانی و گرانی در یک حد انفجاری هست، در جامعه ای که سالهاست در هر بخشی شاهد هزاران اعتصاب و اعتراض به وضع موجود هستیم، چرا و چگونه شعاری مثل (زن ، زندگی ، آزادی) عمده گی پیدا میکند و زیان این شعار برای جنبش انقلابی کنونی بطور عام و برای جنبش زنان بطور خاص چیست؟

واقعیت این است که نیروهای رفرمیست و پرو امپریالیست سال هاست روی پتانسیل بزرگ مبارزاتی زنان ایران سرمایه گذاری کرده اند ، از دوران اصلاحات با راه انداختن کمپین های تعدیل دادن قوانین ضد زن گرفته تا کمپین آزادی های یواشکی و چهارشنبه های سفید و ده ها برنامه دیگر و این بار هم با شروع مبارزات انقلابی توده ها که میرفت تا پایانی بر نظام غارتگرانه حاکم بگذارد ، همه جریانات راست و پرو امپریالیسم فرصت را غنیمت شمردند تا در پناه یک شعار مبهم همه این مبارزات را در مثلا تجلیل از شجاعت زنان ایران در چهارچوب لغو حجاب اجباری و انقلاب زنانه و انقلاب دهه هشتادی ها نشان دهند.

شعار (زن ، زندگی ، آزادی) در ایران در مراسم خاکسپاری ژینا توسط یک نفر داده شد و بلافاصله توسط رسانه های غربی در سطحی وسیع ، تکرار شد تا جایی که ده روز بعد از قتل ژینا روزنامه لیبراسیون فرانسه ، صفحه اول روزنامه خود را با این شعار به فارسی منتشر کرد و سایر رسانه های غرب در پخش و ترویج این شعار از هم سبقت میگرفتند در حالیکه در تظاهرات های خونین مردم در ایران شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و شعارهایی که خواست مردم بودند ، داده میشد ولی رسانهای غربی همچنان بر طبل موضوع حجاب به مثابه خواسته اصلی زنان ایران می کوبیدند. این موضوع تا حدی پیش رفت که نه تنها چهره های معروف ایرانی بلکه از سیاستمداران تا چهره های هنری غرب همه تلاش میکردند با تکرار این شعار از قافله "انقلاب زنانه" خواندن انقلاب ایران در جلوی دوربین ها ، عقب نمانند. از راست ترین و ضد زن ترین سیاستمداران امپریالیستی یعنی کسانی که در همین کشورها حق سقط جنین را غیر قانونی کرده اند و هر روز حقوق زنان را پایمال میکنند ، تا لیبرال های هالیوود با ژست همراهی با زنان ایران این شعار را در هر فرصتی مطرح میکردند ، بواقع ما در این مقطع شاهد تلاشی عظیم و هدایت شده از سوی نهادهای ضد مردمی بودیم که اینبار با سو استفاده از ستم بر زنان ایران صحنه را برای انحراف مسیر مبارزاتی مردم و حداکثر رژیم پنج و نه انقلاب اجتماعی آماده میکردند. تازه، این تبلیغات در حالی بود که صد ها ویدیو از مبارزات زنان و مردانی که دوشادوش هم علیه دشمنانشان می جنگیدند وجود داشت و این

هم‌رزمی دختران و پسران جوان در مقابله با مزدوران رژیم به شکلی غیر قابل انکار در تمام این دوران ادامه یافت.

حال کسانی که با همه این شواهد هم‌رزمی زنان و مردان ، این انقلاب را زنانه می‌نامند ، هر نیتی هم که داشته باشند ، در نهایت نتیجه کارشان چیزی جز تغییر چهره ظاهری سیستم کنونی و جایگزینی آن با سیستمی مشابه که بتواند در درجه اول با ادامه وضع موجود منافع نظام سرمایه داری را تأمین کند ، نخواهد بود. در بطن شعار (زن ، زندگی ، آزادی) هیچ یک از خواسته های اقتصادی و سیاسی جامعه منعکس نمی‌شود. این شعار ضرری که برای جهان سرمایه داری ندارد هیچ، بلکه در پناه این شعار ماهیت مبارزات انقلابی مردم ایران تحریف شده است. به این فکر کنیم که کدام شعار انقلابی تا به حال در انقلابات وجود داشته اند که توسط امپریالیست ها تا این حد مورد تبلیغ و ترویج قرار گرفته باشند؟ این چه شعار انقلابی هست که از راست ترین جناح های سرمایه تا متاسفانه بخشی از چپ ، امروز بدنبال آن به راه افتاده است ؟ از خود سؤال کنیم که دولت های امپریالیستی ، سلبرتی های هالیوودی که بیش از ۴۰ سال است با سکوت از کنار جنایات جمهوری اسلامی در مقابل زنان ایران ، رد شده اند و از هیچ یک از جنبش های عظیم توده ها در سالهای اخیر حمایت نکرده اند چه اتفاقی افتاده که امروز جلوی دوربین ها گیس می‌برند و از انقلاب مهسا حرف می‌زنند؟ حامیان سرمایه ، جز به انحراف بردن انقلاب ایران و سپردنش به یک نیروی ارتجاعی و پرو امپریالیستی دیگر در جهت تضمین منافع خود در آینده ایران ، چه هدف دیگری میتوانند داشته باشند؟

حجاب نماد اسارت زن است و لغو آن یکی از خواسته های مهم زنان ایران است ، ولی این تنها خواست زنان ایران نیست که نیروهای ارتجاعی روی آن ، این همه تأکید می‌کنند و با نمایشاتی از قبیل بریدن موی سر خود ، این طور القاء می‌کنند که انگار زنان ایران هیچ درد و خواستی ندارند جز لغو حجاب. در حالی که آنها زنان و مردان کارگر، معلمین ، بازنشستگان که از فرط فقر کمرشان شکسته است در اعتراض به نظم موجود هست که در خیابان ها هستند اینها مسائل اساسی برای مردم ما هستند و تا این خواست های اساسی تأمین نشوند ، نه از آزادی زن خبری خواهد بود و نه از بین رفتن دیکتاتوری و آزادی کل جامعه.

البته بسیار طبیعی هست که دختران و زنان در ایران که تحت ستم مستقیم رژیم جمهوری اسلامی هستند ، بدون این که به محتوای این شعار فکر کنند ، بدون این که تحلیلی از چرایی حمایت غرب از این شعار داشته باشند ، از اینکه در یک جامعه مرد سالار از زن با واژه زندگی و

آزادی نام برده شود ، خوشحال باشند و آن را تکرار کنند و حتی رهایی خود را از قید قوانین و مقررات زن ستیزانه اسلامی ، تصور کنند. در نتیجه ایرادی به این زنان نیست. ولی این وظیفه زنان پیشرو هست که در مورد ستم بر زنان و رهائی آنان ، شعار های شفاف و انقلابی را مطرح و تبلیغ کنند. البته به نوعی شواهد نشان میدهد که در درون جامعه این شعار بسیار کمرنگ تر شده ، در حالیکه در خارج از کشور توسط شاه اللهی ها و رسانه های وابسته به آن ها ، شب و روز تبلیغ میشود ، امری که امروز هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده این جریان مرتجع طالب سلطنت ، همین شعار گنگ و بی محتوا را هم به شعار "زن ، زندگی ، پهلوی" تغییر داده است. یکی از خصوصیات تداوم جنبش های انقلابی در همین هست که در پروسه حرکت خود رشد میکند و صیقل پیدا میکنند و از شعارهای نادرست سریعاً عبور میکنند و خودش را به شعارهایی که در برگیرنده خواسته های آنهاست مجهز میکند. ما این تغییرات را بوضوح در خیزش بزرگ چند ماه اخیر شاهد بودیم ، مبارزات متداوم خلق بلوچ و حضور پرشور زنان و رشد خواسته ها و مطالبات آنها در این چند ماه به خصوص با خواست دموکراسی و برابری ، فقط نمونه ای از این رشد مبارزاتی می باشد.

واقعیت این هست که شعار (زن ، زندگی ، آزادی) یک شعار پوپولیستی است که با هیچ تحلیل مارکسیستی نمیتوان آن را توضیح داد ، نه منشاء طبقاتی دارد و نه حتی جنبه برابری طلبانه. شعار نامفهومی است که با هدف همه با هم و در جهت مخدوش ساختن صف خلق و ضد خلق به عنوان شعار محوری به جنبش انقلابی ایران حقه شده است. با این شعار می توان آتش انقلاب ایران را که از زیر آتش فقر و بیکاری و تبعیض و بی خانمانی سر برآورده ، خاموش ساخت و به رفرمیستی ترین شکل آن را نابود کرد. حالا چرا برخی رفقا و جریانات چپ این شعار را در سر لوحه شعارهای خود قرار داده اند جای سؤال دارد! گویا این رفقا متوجه نیستند که وقتی شعار نان ، کار ، مسکن و آزادی را به حاشیه می برند ، عملاً دست نیروهای راست را برای تعرض به مبارزات انقلابی مردم باز میگذارند. در حالی که وظیفه نیروی پیشرو، طرح و ترویج شعار های انقلابی در جهت پیشبرد جنگ انقلابی می باشد. اما در مورد رفقای زن که مدعی هستند که به انقلاب اجتماعی اعتقاد دارند که قرار هست مناسبات اقتصادی نظام سرمایه داری را با همه دستگاه های سرکوبش نابود سازد، چرا اینها امروز از همان واژه های "انقلاب زنانه" و "زن ، زندگی ، آزادی" استفاده میکنند؟ و چگونه این کار را توجیه میکنند؟ آیا این لگد مال کردن ۵۰ سال مبارزات زنان ایران برای نابودی ستم و تبعیض و استثمار نیست؟ مگر واژه و تعریف واقعی زن ، معنای واقعی زندگی و آزادی به طور هر چه شفاف و روشن توسط چریک فدایی خلق غزال آیتی تعریف نشده که بیش از ۵۰ سال پیش در شرایط دیکتاتوری نظام پهلوی در شعری به نام "افتخار" سرود :

من یک زن ام

زنی که مترادف مفهوم اش در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما وجود ندارد

من زنی آزاده ام ، زنی که از آغاز ، پا به پای رفیق و برادرم دشت ها را در نور دیده است

زنی که پرورده است بازوی نیرومند کارگر ، دستان نیرومند برزگر...

آیا از این واضح تر میشد نقش و ارزش اجتماعی زن بودن را نشان داد؟ رفیق غزال با اعتقاد به برابری زن و مرد و ضرورت انقلاب برای رهایی زنان و مردان تحت ستم ایران ، جان خود را برای این منظور ایثار نمود. یادش گرامی

احتمالا حامیان شعار (زن ، زندگی ، آزادی) خواهند گفت که استنباط آنها از این شعار فرق میکند ، که دقیقا یکی از نقاط مهم ضعف و ایراد این شعار در همین است که هر کس میتواند برداشت و تعبیر خود را داشته باشد ، حتی ارتجاع حاکم. به همین خاطر هم این شعار فقط به توهمات دامن می زند. ببینید تکلیف ما با جریانات شاه الهی و پرو امپریالیسم روشن هست و خیلی نیازی به توضیح نیست که استفاده از واژه "انقلاب زنانه" و (زن ، زندگی ، آزادی) برای آنها ابزاری هست برای جلوگیری از رشد و ارتقای این جنبش در جهت نابودی کلیت نظام سرمایه داری در ایران، چون خوب آگاه هستند که اکثریت جامعه ایران را طبقه کارگر و زحمتکش و خانواده های آنان تشکیل میدهند و اگر مبارزات مردم در ایران به نحوی پیش رود که ریشه های نظم اقتصادی حاکم را نابود کند و انقلاب در جهت نابودی مناسبات ظالمانه اقتصادی موجود پیشروی کند ، اساسا جایی برای این جریانات ارتجاعی باقی نخواهد گذاشت و حتی اگر در مرحله نخست به کمک امپریالیست ها به قدرت هم برسند، نخواهند توانست جلوی مبارزات مردم برای رسیدن به آزادی و برابری واقعی را بگیرند. از همین روست که از همین حالا رضا پهلوی ، شفاف به جلادان حاکم می گوید که ما با همین ارتش ، با همین بسیج و با همین سپاه امنیت را برقرار خواهیم کرد. از همین روست که اصلاح طلبان دیروز طالبان سلطنت امروز شده اند. آنها طالب شعارهای غیر شفاف و از جمله شعار (زن ، زندگی ، آزادی) هستند. چون هدف شان تغییرات در سطح ظاهری حاکمیت و در عین حال حفظ مناسبات سرمایه داری و حفظ سلطه و منافع امپریالیسم می باشد و بس.

اما در مورد زنان مبارزی که خود را کمونیست معرفی می کنند چه باید گفت؟ خوب است توجه این رفقا را به تظاهرات زنان شجاع و آگاه ایران در سال ۵۸ جلب کنیم. فقط نگاهی به شعارهای مطرح شده در آن تظاهرات به ما نشان میدهد که چقدر شعارها پیشرفته و مترقی بودند. وقتی این زنان مبارز در همان بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی مورد سرکوب قرار گرفتند ، برابری زن و مرد را فریاد زدند و با شعارهای " ما انقلاب نکردیم ، تا به عقب برگردیم" ؛ "استبداد از هر نوعش محکوم است" ، " آزادی زن ، آزادی جامعه"

" به خیابان ها آمدند. می بینیم که مبارزات کنونی زنان و دختران ایران ، چنین تجربیاتی عظیمی را با خود دارد. پس چه نیازی به عاریه گرفتن از شعارهای بورژوا ناسیونالیستی که فقط رفرم را در چشم اندازشان قرار میدهد ، وجود دارد؟

در هر انقلابی ضروری هست که در مراحل مختلف شعارهای مطرح شده بتواند در سطحی خواسته ها و مطالبات مردم را نشان دهد. اگر قبول داشته باشیم که جنبش انقلابی کنونی ، برخاسته از فقر ، بیکاری ، بی خانمانی و دیکتاتوری موجود در جامعه ماست و زندگی در جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم مساوی با گرسنگی ، گور خوابی ، بیکاری ، تبعیض و در مورد زنان ستم های گوناگون چه در عرصه قوانین ضد زن و چه در حوزه تبلیغات و جا انداختن فرهنگ زن ستیزی هست، براحتی متوجه می شویم که شعار (زن ، زندگی ، آزادی) در اساس ظرفیت پاسخگویی به هیچ یک از این نا بسامانی های را نمی تواند داشته باشد و قادر نیست حتی به از بین رفتن کمترین ستم به زنان بینجامد.

ما تجربه تلخ شکست انقلاب سال ۵۷ را پشت سر داریم و می دانیم که خواست واقعی مردمی که میلیونی در خیابان ها بودند ، استقلال و آزادی و رهایی از چنگال فقر و دیکتاتوری بود ، دارو دسته خمینی به کمک رسانه هایی چون بی بی سی ، با جنجال ، جمهوری اسلامی را هم به این شعار اضافه کردند و هر صدای مخالفی را که می پرسید جمهوری اسلامی دیگر چیست؟ چه نوع نظام اقتصادی هست و چگونه قرار است به فقر و نابسامانی پایان دهد را با وحدت کلمه خفه میکردند و میگفتند موضوع اصلی امروز فقط سرنگونی شاه هست. این درست همین کاری ست که نیروهای پرو امپریالیستی و طالبان سلطنت ، امروز انجام میدهند. ما نتیجه چنین سیاستی را ۴۴ سال هست تجربه کرده ایم ، شرایط نه تنها بهتر نشد بلکه دیکتاتوری سیاه تری جایگزین دیکتاتوری شاه شد و همان نظم غارتگرانه سرمایه انگلی باقی ماند ، امروز هم دشمنان مردم با شعار (زن ، زندگی ، آزادی) تلاش میکنند صف خلق و ضد خلق را مخدوش سازند و با این شعار همه خواسته های مردم را در چهارچوب این شعار خلاصه کنند و از طرف دیگر نیروهای درون صف خلق هم با کلی تعبیرات و تفسیر های من درآوردی و با سرلوحه قرار دادن این شعار ، جبهه ارتجاع برای تعرض به جنبش توده ها را تقویت می کنند. در حالی که از هر زوایه ای که به این موضوع نگاه کنیم به روشنی می بینیم که طرح شعارهای مشخص و طرح مطالبات واقعی مردم و پخش و ترویج آنها در بین مردم ، نه تنها باعث رشد و پیشروی مبارزات خواهند شد و افق مبارزاتی روشنتری را برای آنها ترسیم میکند ، بلکه دست ارتجاع را برای فریبکاری و نفوذ در صفوف مردم نیز کوتاه خواهد کرد.

در پایان این که : طرح شعارهای شفاف نیاز مبرم جنبش کنونی ماست. شعارهایی که بتوانند باعث پیشروی و ارتقای سطح مبارزات کنونی شوند و راه را برای تحقق این خواسته

ها در صورت پیروزی انقلاب هموار سازند. درست ترین شعار و شفاف ترین آنها در رابطه با رفع ستم از زنان همانا شعار آزادی زن ، آزادی جامعه هست ، می باشد. این شعار و پیش درآمد و متکمل آن ، یعنی شعار نان ، کار ، مسکن و آزادی که در برگیرنده خواست انقلابی همه اقشار و طبقات زحمتکش جامعه ، صرف نظر از جنسیت آن ها میباشد ، می بایستی به عنوان سرلوحه جنبش ، ترویج و تبلیغ شوند.

واضح است که در ایران ، مسیر رسیدن به جامعه ای که در آن روابط ناعادلانه سرمایه داری در هم شکسته شده است و در آن زنان و مردان از حق مساوی ای برخوردار هستند ، در درجه اول ، تنها با سرنگونی انقلابی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ، به دست پرتوان کارگران و زحمتکشان امکان پذیر خواهد شد.

کمونیست ها و تمام کسانی که واقعا خواهان رهائی زنان از ستم های بیشمار هستند، باید این امر که معیار آزادی یک جامعه با آزادی زن در آن جامعه سنجیده می شود را به میان مردم ببرند و با تبلیغ و اشاعه چنین شعار هائی و تاکید بر برابری زن و مرد ، خواستار مبارزه مشترک و دوش به دوش زنان و مردان در کنار هم برای ریشه کن کردن هر نوع ستمی باشند که مانع از آزادی آحاد جامعه و در نتیجه آزادی زن می شود.